



دایره‌های بازیگوش

مداد نارنجی عاشق کشیدن شکل‌های هندسی بود. خواهر و برادرهایش هر کدام در نقاشی یک چیز خاص مهارت داشتند؛ مثلاً آبی دریا، سبز چمن، قرمز گل لاله و زرد خورشید را زیبا می‌کشیدند. آن روز نرگس وقتی به سراغ مادرنگی‌ها رفت اول با مداد آبی آسمان را آبی کرد. بعد با مداد زرد یک خورشید، با مداد سبز یک درخت بزرگ و با رنگ قرمز روی درخت، سیب کشید. نوبت به مداد نارنجی رسید. نرگس مداد را در دست گرفت و به صفحه‌ی دفتر خیره شد. هر چه فکر کرد چیزی به ذهنش نرسید. مداد را روی صفحه کشید. همین که پای مداد نارنجی به کاغذ رسید تند و تند شروع کرد به کشیدن دایره‌های قد و نیم قد. مادر که برای نرگس شربت درست کرده بود او را صدا کرد. نرگس به آشپزخانه رفت. حالا نقاشی و مدادها تنها شده بودند. مدادها به دایره‌ها نگاه می‌کردند که توی صفحه‌ی کاغذ از این طرف به آن طرف قل می‌خوردند و می‌خندیدند. وقتی نرگس دوباره به اتاق آمد و سراغ دفتر نقاشی رفت، تعجب کرد. وسط صفحه، کنار درخت سیب روی زمین یک کرم نارنجی دایره‌ای جا خوش کرده بود.

عاطفه زینلی نیا

مهشید رجایی

